

الْإِسْلَامُ

فِي أَعْمَالِهِ وَعَقَائِدِهِ

آيَةُ اللَّهِ الْعَظِيمَى مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)



ترجمہ و شرح: سید مہدی طہ



سرشناسه: محسنی، آیت الله شیخ آصف ۱۳۹۸-۱۳۱۴  
عنوان و نام پدیدآور: الاسلام فی اصوله و عقائده/ آصف محسنی.

شرح و ترجمه: سید مهدی طه

مشخصات نشر: مشهد، رازتوکل ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۲۹۴ ص.

شابک: ۷-۵۶-۶۰۴۲-۶۲۲-۹۷۸

قیمت: ۲۰۰۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

موضوع: اسلام

موضوع عقائد

موضوع:

رده بندی کنگره:

رده بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:

تاریخ درخواست: کد پیگیری:

الاسلام فی اصوله و عقائده

آیت الله العظمی محسنی (رضوان الله علیه)

نشر: مشهد، رازتوکل، ۱۴۰۰.

چاپ: معین.

گرافیک و دیزاین: گیتی سیستم [www.GitiSystem.ir](http://www.GitiSystem.ir)

سال چاپ: اول ۱۴۰۰

قطع کتاب: وزیری

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد.

قیمت: ۲۰۰۰۰۰۰ تومان

شابک: ۷-۵۶-۶۰۴۲-۶۲۲-۹۷۸

## ❁ فهرست مطالب

### ❁ فهرست

|                                |    |
|--------------------------------|----|
| فهرست مطالب                    | ۵  |
| مقدمه                          | ۲۷ |
| پیش‌گفتار                      | ۳۱ |
| بخش اول: هویت و چیستی علم کلام | ۳۷ |
| هویت علم الکلام                | ۳۷ |
| ترجمه                          | ۳۷ |
| شرح و توضیح                    | ۳۸ |
| ۱. تعریف علم کلام              | ۳۹ |
| ۲. مسائل علم کلام              | ۳۹ |
| ۳. غرض و فایده علم کلام        | ۴۰ |
| ۴. موضوع علم کلام              | ۴۱ |
| دو اشکال                       | ۴۲ |
| اشکال اول                      | ۴۲ |
| اشکال دوم                      | ۴۲ |
| پاسخ اول                       | ۴۳ |
| پاسخ دوم                       | ۴۳ |
| پاسخ سوم                       | ۴۴ |

|    |                                                                 |
|----|-----------------------------------------------------------------|
| ۴۵ | پاسخ اشکال دوم                                                  |
| ۴۶ | ترجمه                                                           |
| ۴۸ | شرح و توضیح                                                     |
| ۵۲ | ترجمه                                                           |
| ۵۳ | شرح و توضیح                                                     |
| ۵۶ | کفایۃ الاعتقاد الجزمی و بطلان التقليد                           |
| ۵۷ | ترجمه                                                           |
| ۵۸ | شرح و توضیح                                                     |
| ۵۹ | مطلب اول: توضیح چند اصطلاح منطقی                                |
| ۶۰ | مطلب دوم: مقدار لازم معرفت در اصول دین                          |
| ۶۱ | مطلب سوم: بررسی دیدگاه‌ها در جواز یا عدم جواز تقلید در اصول دین |
| ۶۱ | ۱. دیدگاه عدم جواز تقلید                                        |
| ۶۲ | ۲. دیدگاه جواز تقلید                                            |
| ۶۲ | ۳. دیدگاه حرمت نظر و تحقیق                                      |
| ۶۲ | ۴. نظریه تفصیل                                                  |
| ۶۲ | ۵. جواز تقلید توأم با جزم                                       |
| ۶۴ | فی تقسیم المفهوم                                                |
| ۶۵ | ترجمه                                                           |
| ۶۷ | شرح و توضیح                                                     |
| ۶۹ | ملاک در محال بودن یک شی                                         |
| ۷۳ | توضیح حول مفهوم الواجب الوجود                                   |
| ۷۴ | ترجمه                                                           |
| ۷۵ | شرح و توضیح                                                     |
| ۷۵ | شبهه اول                                                        |
| ۷۶ | جواب اول                                                        |

|     |       |                                |
|-----|-------|--------------------------------|
| ۷۶  | ..... | جواب دوم                       |
| ۷۷  | ..... | شبهه دوم                       |
| ۷۷  | ..... | جواب                           |
| ۸۲  | ..... | ترجمه                          |
| ۸۴  | ..... | روشنایی بخشی                   |
| ۸۷  | ..... | شرح و توضیح                    |
| ۸۸  | ..... | منبع اول: حواس ظاهری           |
| ۸۸  | ..... | منبع دوم: حس باطنی             |
| ۸۹  | ..... | منبع سوم: عقل                  |
| ۸۹  | ..... | انواع عقل                      |
| ۹۱  | ..... | اقسام برهان و عقل نظری         |
| ۹۲  | ..... | اعتبار حکم عقل                 |
| ۹۲  | ..... | تبیین بیشتر                    |
| ۹۵  | ..... | بررسی دیدگاه اهل خبره          |
| ۹۵  | ..... | قول اول: حجیت عقل و حس         |
| ۹۵  | ..... | قول دوم: انکار عقل و حس        |
| ۹۵  | ..... | قول سوم: انکار حجیت حس         |
| ۹۵  | ..... | قول چهارم: انکار حجیت عقل      |
| ۹۷  | ..... | ترجمه                          |
| ۹۸  | ..... | شرح و توضیح                    |
| ۱۰۰ | ..... | خواص واجب الوجود و ممکن الوجود |
| ۱۰۱ | ..... | ترجمه                          |
| ۱۰۱ | ..... | اول: ویژگی های واجب الوجود     |
| ۱۰۴ | ..... | شرح و توضیح                    |
| ۱۰۴ | ..... | ویژگی اول                      |

## مقدمه

دین برای انسان ضروری است، و لو در گذشته و حال برای براندازی و حذف آن تلاش شده و می‌شود، دین ارتباط انسان را با خداوند برقرار می‌کند، اگر این ارتباط برقرار نشود، انسان به مانند سنگی در این عالم خواهد بود، نهایت رشد کند، به مانند حیوانی زندگی خواهد کرد، تکامل انسان متوقف خواهد شد. جهان بعد از چند قرن حاکمیت اومانیسم و سرمایه‌داری به نفع قدرت‌های سلطه‌گر، احساس پوچی و ناکامی از معنویت کرد، و جهان را در بحران معرفت، فرهنگ و معنویت دید، و از همین تاریخ دین‌داری و توجه به معنویت در دنیا رونق گرفته است، و بخش وسیعی از انسان‌های تشنه راه یابی به محضر خداوند، بیراهه رفت به دام صدها اندیشه فاسد عرفانی بشری گرفتار گشت، مبتلا و مصاب به تباهی شدند، بازماندگان و آنها که دقت بیشتر داشتند در اندک تکاپوی فکری خود دریافتند که اسلام سعادت گمشده آنهاست و این شریعت معظم در این مقطع، توجه همگان را به خود جلب کرد.

فطری بودن اسلام و دین، به معنای عقلی بودن است. فطرت چیزی جدای عقل که در عرض و مقابل عقل باشد، و به مانند عقل ایجاد شناخت و تولید معرفت کند، سخنی ناسنجیده و غیر قابل قبول است، چون در میان قوای شناخت، قوه‌ای به نام فطرت و متفاوت از قوای شناخت مثل حواس، خیال، وهم و عقل نیست. معنا ندارد، چیزی را عقل باور نکند، ولی فطرت باور کند، تخطئه فطرت از ناحیه عقل، معنا ندارد.

دین یعنی عقلانی فکرکردن و عقلانی عمل کردن، انسان غیر عاقل نمی‌تواند دیندار باشد. چون دین، اعتقاد به خداوند است و عقل به این عقیده ورزی، صمیمانه وفادار است. آنکه میان عقل و دین، فاصله و تعارض و تباین می‌بیند، مصاب به عقل شهوت و دنیا شده است. عقل اگر منحرف و در اختیار شهوت و دنیا طلبی قرار نگرفته باشد و آسیب ندیده باشد، در نهایت پی خواهد برد که عدم دین، بیهودگی است. آیا این عالم بیهوده است و بیهوده می‌چرخد؟ انسان چه بوده و در آینده چه خواهد شد؟ این سوالات و دیگر مشابه‌اش آدمی را در حوزه دین پیاده خواهد کرد.

برخی که گمان می‌کنند دین موجب عقب ماندگی شده است، توجیه تنبلی و سستی،

برای عقب ماندن از قافله علم و رفاه است. دین مانع رشد در مسائل زندگی نیست، دین معرفت و اعتقاد به خداوند است، و خداوند مانع نیست، او انسان را خلق کرده تا زمین را آباد کند، آبادی آفرینش، بدون علم میسر نمی شود. معنای کامل بودن دین اسلام، یعنی آنچه که موجب معرفت و تقرب انسان به خداوند می شود و قواعد زندگی خوب در دنیا، در این دین بیان شده است

دین از مبدئی بدون زمان و مکان، فرود آمده است، خداوند زمان و مکان ندارد. زمان و مکان، احکام این دین را دچار فرسودگی و ناکارآمدی نمی تواند، دو ضرب در دو، چهار می شود، این معادله بی زمان و بی مکان است، دین احکام ابدی و روز آمد دارد، و در همه زمان ها و مکان ها قابل تطبیق و اجرا می باشد، چون برای زندگی انسان ها آمده است. منتها باید درست و بر طبق قواعد تفسیر شود. اگر دین نسبت به مسائل روز، پاسخگو نباشد، معلوم می شود که مفسران دین، کوتاهی کرده اند یا نتوانسته اند آن را درست فهم کنند.

علم کلام، دانشی برای معرفی و صیانت از دین و جهان بینی اسلامی است. معارف این دانش با رعایت انصاف و اعتدال، و بر اساس استدلال عقلی و نقل معتبر، استوار است. علم کلام در تحولات فکری عالم، به کلام قدیم و کلام جدید منقسم شده است. در گذشته اشخاص یا حضور خداوند را در زندگی خود می پذیرفت یا انکار می کردند. آنکه می پذیرفت، به اصول اعتقادی و احکام عملی، معتقد و اظهار پایبندی داشت. اما در روزگارهای بعدی، اشخاصی خداوند را به عنوان وجود اعلی و نیروی برتر می پذیرند؛ اما تفسیر و فهم آنها از خداوند و کلام و کتاب او، گاهی منجر به همان وضعیتی می شود که منکران گذشته قرار داشتند، نهایت این اعتقاد به وجود اعلا و نیروی برتر، به مانند اعتقاد به برتری کوه به سنگ یا کهکشان به کره زمین است، هیچ اثر معنوی و ارتباط بندگی برقرار نمی گردد.

بهره انسان از هستی به میزان معرفت و شناخت او از هستی است. اگر آگاهی انسان به لایتنهای وصل گردد و این اتصال به معرفت تبدیل شود، انسان جاودانه خواهد شد. دانشی که انسان را به این وادی هدایت دهد، بسیار معظم و محترم خواهد بود. علم کلام با بهره گیری از خرد ناب انسانی و ذخیره معتبر و مصفای وحی، تلاش دارد. معرفت و بهره کام انسان را از این آفرینش و بخصوص خداوند متعال بیفزاید، البته ممکن که در انتهای خود، او را در وادی حیرتی محض که نهایت معرف صاحب این عالم است، رها کند.